

قاعده احسان و نقش آن در معافیت از جبران خسارت

مزدک نصوری*

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

قاعده احسان یکی از قواعد فقهی مسلم و مؤثر در حقوق اسلام و دارای گستره وسیعی است که مورد توجه بسیاری از فقها و حقوقدانان قرار گرفته است، به طوری که از آن به عنوان رافع مسئولیت و ضمان نام برده می شود. طبق این قاعده اگر شخص محسن قصد رساندن سود به دیگری یا دفع ضرر از دیگری داشته باشد با رعایت تبصره‌هایی مثل داشتن حسن نیت و وارد نکردن زبانی بیش از زیان اول، عمل او مسئولیت آور نیست. زیرا اگر با نیکوکار مانند زیانکار رفتار شود سبب اجتناب انسان از احسان می گردد. ارزش عمل نیکوکارانه و قبح مجازات نیکوکاران تا بدان جاست که خداوند نیز در آیات متعددی از قرآن مقدس، محسنین را مورد دوستی و محبت خود قرار داده است. هدف این پژوهش، استفاده از مستندات نقلی و عقلی قاعده احسان و استناد به منابع فقهی، حقوقی، دانشگاهی و تحقیقات مختلف با تکیه بر قرآن و حدیث است تا اثبات کند که احسان یکی از موارد معافیت از جبران خسارت و مسقط ضمان قهری می باشد و با اشاره به قوانین مدنی و جزایی مرتبط با این قاعده نشان داده شده است که می تواند جایگاه مهمی را در روابط خصوصی شهروندان و نظام حقوقی ایران کسب کند.

واژگان کلیدی: جبران خسارت، ضمان، قاعده احسان، قاعده فقهی، مسئولیت

۱- مقدمه

احسان به معنای نیکویی کردن درباره کسی است (عمید، ۱۳۶۳: ص ۸۲). محسن به معنی نیکویی کننده است (همان، ص ۱۰۶۳). محسن یعنی آنکه نیکی و احسان می کند (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۱۲، ص ۱۷۹۹۵). احسان از ریشه حسن ضد اساءة به معنای نیکی کردن نسبت به دیگری است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۳، ص ۱۱۷). محسن به معنای نیکوکار است (دانا، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۱۲۴۱). احسان معمولاً به معنی نیکوکاری تفسیر می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۵۲). مثلاً کسی گوسفند دیگری را در بیابان پیدا می کند و آن را برای محافظت به اصطبل خود منتقل می کند و اتفاقاً سقف فرو می ریزد، در اینجا ید او مأذونه نبوده است، پس باید گفت که قاعده علی الید جاری می شود. اما قاعده احسان می گوید محسن نباید مؤاخذه شود و اجرای قاعده علی الید اسائه به محسن است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۳۴). انفاق به محرومان و گذشت از خطای مردم، از مصادیق احسان و نیکوکاری است (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۱۵۷). احسان کلمه مبارکی است که شامل خدمات مالی، فکری، فرهنگی و عاطفی می شود (همان، ج ۶، ص ۴۴۴). برای عدم ضمان کسی که اجرای حد یا قصاص عضو کرده و منجر به مرگ مجرم گردیده است، به قاعده احسان استناد شده است چرا که وی به خاطر اجرای حکم الهی که مصداق احسان است، محسن تلقی گشته و از هر گونه مسئولیتی معاف می باشد (گلپایگانی، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ص ۳۹۸). البته فعلی که به قصد نیکی انجام می شود بایستی از مصادیق احسان باشد اگر چه در عالم واقع محقق نشود، مثلاً اگر سرپرست یتیمی طفل مورد تکفل را جهت تأدیب تنبیه نماید، عمل او نیکو و محسنانه شناخته می شود هر چند که طفل در خارج مؤدب نشود (غروی اصفهانی، ۱۴۰۹ق: ص ۳۵؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۹، ص ۳۷۲).

در بحث مربوط به مجهول المالک یا لقطه که کسی مالی را پیدا می کند گفته اند که جوینده اگر پس از یکسال از پیدا شدن مالک مایوس شود می تواند مال را نزد خود نگه دارد تا مالکش پیدا شود، یدش ید امانی است و محسن است و اگر مال مذکور بدون تعدی و تفریط تلف شد، ضامن نیست (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ج ۱، صص ۴۰-۴۱). مصداق قاعده احسان فقط منحصر به لقطه نمی باشد بلکه در تمام اموال مجهول المالک مثل اموال مسروقه موجود در ید کسی که صاحب آنرا نمی شناسد و بدهی که صاحبش مجهول است و مانند اینها نیز مجرا می باشد (فاضل لنکرانی، ۱۴۳۴ق: ص ۲۹۴). بر محسن در